

How to write a Dull Town History

چگونه تاریخ یک شهر کسالت آور را بنویسیم

جفری آلن در این مقاله بیان می کند که با بررسی ۷۰۰ اثر تاریخ نگاری محلی درباره ی شهر ها و نواحی مختلف ایالت نیو اینگلند، به نتایج ساده ولی مهمی می رسد. او نشان می دهد که تاریخ می بایست توسط یک گروه (کمپته) نوشته شود و این همه ی موارد را در برمی گیرد؛ به طوری که کسی یا گروهی مورد توهین واقع نشود.

مقاله ی او در کتاب "The Pursuit of Local History" که مجموعه ای از مقالات صاحب نظران مختلف درباره ی تاریخ محلی و جنبه های گوناگون آن، به ویراستاری کارول کامن (Carol Kammen) است، چاپ گردیده است. بخشی از ترجمه این مقاله در زیر بیان می شود:

جفری الن ویرایشگر مجله یانکی (Yankee Magazine)، با دریافت تواریخ محلی بسیاری از نیو اینگلند، به بررسی آنها می پردازد. او در این بخش جذاب، برخی از نظرات و پیشنهادات خود را هم از این نوع تاریخ محلی در ستون تاریخ می نویسد.

در حال حاضر در حدود تاریخ ۷۰۰ شهر کوچک در انتشارات یانکی وجود دارد، که کتابخانه در هر ماه دو یا سه کتاب جدید دریافت می کند. من در اینجا این اصطلاح را با تسامح تعریف می کنم که شامل، تاریخ نواحی و مناطق، دره ها، بخش هایی از شهرها، کلیساها، محله و شاید بهتر خواهد بود که آنها را تواریخ محلی بگوئیم. آنها به طور کلی در سه چیز مشترک هستند، توسط مورخان آماتور نوشته می شوند و دایره خوانندگان گسترده ای را به دست نمی آورد، و افسوس که آنها غیر واقعی و به طور متحیرکننده ای کسل کننده هستند. من برای بحث در مورد چگونگی نوشتن یک تاریخ خوب برای یک شهر، نمونه هایی را در نظر گرفتم. مشکل این است که، نمونه های بسیاری وجود ندارد و آنها در طبقه بندی موجود نمی گنجند، این دلیل خوب بودن آنهاست و همچنین معایب آنها نیز مشابه است. بر این اساس ما بیشتر از اشتباهاتمان درس می گیریم تا از پیروزی هایمان، و در حقیقت من تجربه بیشتری از اشتباهاتم دارم تا پیروزی هایم. بر این اساس سه قانون برای نوشتن تاریخ یک شهر کسالت بار مطرح می کنم:

۱- این تاریخ بایستی توسط یک گروه نوشته شود. به این ترتیب افراد بیشتری از شهر در این پروژه درگیر خواهند شد و دیدگاه های مختلفی را نشان می دهند. که نتیجه آن تجدید یک غرور مدنی و ترکیبی مطلوب از یک کتاب بدون یک دیدگاه خاص می گردد.

۲- چیزی را نادیده نگیرید. اما این به معنای این نیست که اموری ربط را وارد موضوع کنیم و آنها را به هم ربط بدهیم.

۳- به کسی توهین نشود. از آنجا که هیچ داستانی وجود ندارد که دیدگاه های یکسانی درباره ی آن وجود داشته باشد. یک مورخ محلی باید تلاش کند تمام دیدگاه ها را در نظر بگیرد و به قضاوتی عادلانه دست یابد.

نویسنده در پایان مقاله برای نتیجه گیری خود مثالی را ذکر کرده است به اعتقاد او، جان دی راکفلر (John D. Rockefeller) کسی بود که از سه قانون برای ثروتمند شدن استفاده کرد، اول کار را در اول صبح آغاز کردن، دوم تا دیر وقت کار کردن و سوم پیدا کردن نفت بود. برای نوشتن تاریخ یک شهر، راکفلر مثال خوبی است که تلاش های جدی و نیات خوب کافی نیست، اگر شما یک تاریخ جذاب برای شهر خود می خواهید، ناگزیر باید نفت را پیدا کنید. منظور این است که ما باید به دنبال کشف گنجینه های اصلی تاریخ محلی شهر خود باشیم، این گنجینه ها همان منابع مادی و معنوی شهرمان است.

